

# پژوهشی درباره اسکناسهای فرقه دموکرات آذربایجان

تکمله‌ای بر رشته نوشتارها درباره اسکناسهای نامتعارف در ایران

دکتر علی شرقی\*

در دوران رضاشاه و در دهه ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ نخستین سرکوب کمونیستها که مشهورترین آنها در «گروه ۵۳ نفری» بودند، آغاز شد. این گروه چنان که از نام آن برمی آید ششمار اندکی از نخبگان و دانش آموختگان و روشنفکران را در برمی گرفت که سرشناس ترین آنان دکتر ارانی، عبدالصمد کامبخش، عزت‌الله سیامک و بزرگ علوی «نویسنده نامی» بودند. کسانی بر این باورند که گروه ۵۳ نفر را گذشته از پیوندهای احتمالی شان با اتحاد جماهیر شوروی، چنانچه منصفانه داوری شود، می بایست یک گروه ناسیونال دموکرات (و نه کمونیست) خواند؛ ولی به هر روی مأموران امنیتی رضاشاهی اعضای این گروه را در ۱۳۱۰ دستگیر کردند. دکتر ارانی رهبر آنان در زندان از دست رفت و بقیه نیز مدت‌ها در زندان ماندند. پس از آن سرکوب، دیگر هسته‌های کمونیستی نیز رفته رفته نابود شدند و تا ۱۳۲۰ خورشیدی که رضاشاه

در ماههای پایانی ۱۳۲۴ خورشیدی و در گرماگرم فعالیت‌های جعفر پیشه‌وری برای تشبیت سازمان کمونیستی خود مشهور به فرقه دموکرات آذربایجان، یک رشته اسکناس نیز از سوی این فرقه در تبریز به چاپ رسید که در زنجان، آذربایجان شرقی و غربی، بخشی از کردستان و شاید بخشی از شمال ایران به جریان افتاد.

هرچند این نوشتار درباره نشر اسکناسهای نامتعارف در ایران است، ولی برای روشن شدن مطلب و بیان چگونگی انتشار این اسکناسها، بایسته است که در آغاز، بررسی کوتاهی درباره این سازمان کمونیستی صورت پذیرد.

از هنگام پا گرفتن اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و تبلیغات گسترده ایدئولوژیک آن، در ایران نیز هسته‌های کمونیستی، بویژه در شمال و مرکز کشور پدید آمد.

\* اقتصاددان. پژوهشگر

انداخت و خواسته‌های خود را با هدف زیر فشار گذاشتن دولت مرکزی اعلام کرد که برجسته‌ترین آنها، خودمختاری آذربایجان، تقسیم زمین میان دهقانان، داشتن پلیس مستقل و به کار بردن زبان ترکی در مدارس و ادارات بود. بدین‌سان، فرقه دموکرات آذربایجان به رهبری پیشه‌وری در میانه ۱۳۲۴ خورشیدی پا به عرصه وجود گذاشت. اعضای رهبری فرقه، گذشته از سید جعفر پیشه‌وری عبارت بودند از: علی شیستری - صادق پادگان - امیر علی لاهرودی - قاسم چشم‌آذر، غلام یحیی دانشیان، بی‌ریا و چند تن دیگر.

فرقه دموکرات آذربایجان در آغاز کار به قانون اساسی کشور پایبندی نشان می‌داد، ولی رفته‌رفته خواسته‌های واقعی و تند خود را آشکار ساخت و به سوی جدا کردن آذربایجان از ایران پیش رفت. برپا کردن پلیس جداگانه و راه‌اندازی سازمانهای گوناگون و نهادهایی که برای اداره یک کشور مستقل مورد نیاز است و حتی انتشار تمبرهای ویژه و چاپ اسکناس، در شمار این اقدامات بود که شوربختانه تاکنون پژوهش ژرفی در این باره انجام نگرفته است.

فرقه دموکرات آذربایجان بی‌اینکه حتی بانک ناشر اسکناس داشته باشد، در ماههای پایانی ۱۳۲۴، با شتاب یک‌رشته اسکناس چاپ کرد و به جریان انداخت. این اسکناسها به گونه بسیار ابتدایی و با کاغذهای معمولی که به اصطلاح کاغذ کاهی خوانده می‌شود، بی هرگونه سیستمهای ایمنی معمول در صنعت چاپ اسکناس (برای جلوگیری از تقلب) آماده و در چاپخانه‌های معمولی چاپ شده بود؛ طرح آنها بسیار ساده و ابتدایی بود و در پشت اسکناسها بی هرگونه طراحی، به شرحی که خواهد آمد، تنها سه جمله با خط نستعلیق به رنگ مشکی چاپ شده بود. فرقه دموکرات، گذشته از به کار بردن زبان ترکی در این نوشته، واحد پول ایران (ریال) را نیز به قران و تومان تغییر داده بود. در متن اسکناس، حتی تومان را (که يك واژه ترکی مغولی و به معنای ده هزار است) به «تومن» تبدیل کردند. در این اسکناسها هیچ

ناگزیر از رفتن از ایران شد، گروه کمونیستی سازمان یافته‌ای در ایران وجود نداشت.

پس از شهریور ۱۳۲۰، با به دست آمدن آزادیهای سیاسی، گروههای کمونیستی بار دیگر فعالیت خود را آغاز کردند و در سایه اشغال شمال ایران از سوی ارتش سرخ و فروپاشی نظام کشور و سازمانهای امنیتی وابسته به آن، هسته‌های کمونیستی به بازسازی خود پرداختند و سرانجام حزب توده ایران با سازمانی تازه پا گرفت و فعالیت خود را آغاز کرد.

دو سال پیش از آن، پیشه‌وری در انتخابات دوره چهاردهم مجلس از تبریز بعنوان نماینده برگزیده شد ولی اعتبارنامه او به استناد پیشینه کمونیستی و زندانی بودنش در دوران رضاشاه، در مجلس رد شد.

از سوی دیگر، برپایه اسناد اتحاد جماهیر شوروی که در این سالها از بایگانی محرمانه بیرون آمده، استالین بر آن شده بود که با برپا کردن آشوب و بلوا در استانهای شمال باختری ایران، زمینه پیوستن آنها به کشور شوراهای را فراهم سازد. از این‌رو در فرمانی به باقروف دبیر نخست کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان شوروی مأموریت داده بود که مقدمات باصلاح «آزادی» آذربایجان ایران را فراهم کند. با پذیرفته نشدن اعتبارنامه پیشه‌وری و خشم او از رفتار تندروها در مجلس ۱۴، باقروف شرایط را مناسب دید و او را به باکو دعوت کرد (به ظاهر، پیشه‌وری تابعیت دوگانه نیز داشته است).

باقروف با برنامه‌ریزی قبلی و برانگیختن حس انتقامجویی پیشه‌وری، او را قانع کرد که با توجه به ضعف دولت مرکزی ایران، وضع مناسبی پیش آمده است تا با راه انداختن آشوب در آذربایجان، دولت مرکزی را برای گرفتن امتیاز، زیر فشار گذارد. برای آغاز کار نیز مقدار چشمگیری پول نقد با شماری کامیون و دستگاههای ایمنی و برخی تجهیزات پزشکی و... در اختیار پیشه‌وری گذاشت.

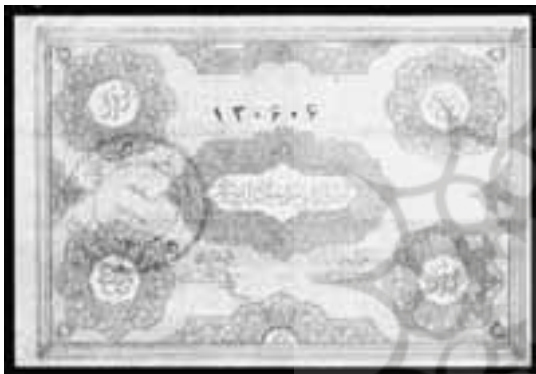
با این مقدمات، پیشه‌وری دار و دسته‌ای به راه

۱. خزانه‌داری حکومت ملی آذربایجان این سند را تضمین می‌کند.

۲. در برابر این سند می‌توانید از همه مغازه‌های دولتی جنس بخرید و بفروشید.

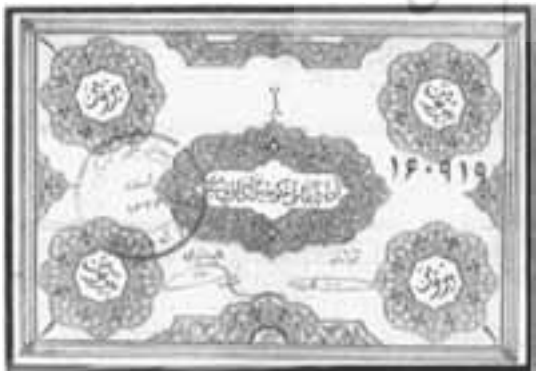
۳. جعل کنندگان این سند در دادگاه صحرایی محاکمه و به اعدام محکوم خواهند شد.  
۲. روی اسکناس:

الف - بش قران (۵ ریال): عدد ۵ و عبارت بش قران در چهار گوشه اسکناس قرار دارد. شماره ردیف اسکناس در بالا و وسط اسکناس زده شده است و تنها اسکناسی است که عدد لاتین در بالای آن پرفراژ نشده



است. رنگ آن نیز قرمز است.

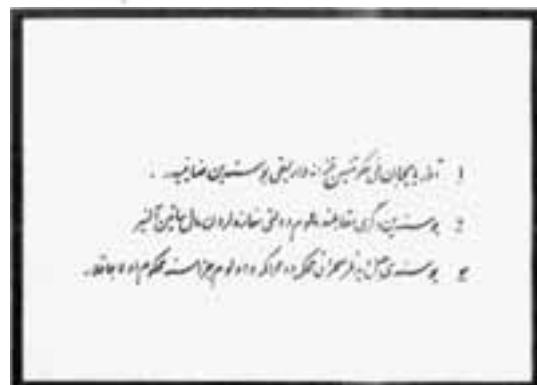
ب - بیر تومن (۱ تومان): که به رنگ سرمه‌ای مایل به بنفش چاپ شده است. از این واحد به بعد بالای اسکناس عدد لاتین نیز پرفراژ گردیده است.



واژه فارسی یا لاتین به کار برده نشده بود، ولی پس از آنکه دریافتند اعداد، با رسم الخط عربی، برای خارجی‌ان آشنا نیست، در بالای اسکناس دوباره اعداد لاتین را با ماشینهای دستی، پرفراژ کردند.

در وسط اسکناس يك طرح بیضی اسلیمی مانند چاپ شده و در میانه آن به خط نسخ این جمله دیده می‌شود: «آذربایجان ملی حکومتین خزانه دار لایق سندی». در سمت راست شماره ردیف اسکناس با ماشینهای معمولی شماره زنی افزوده شده و در سمت چپ نیز يك مهر دایره‌ای شکل از همین مهرهای لاستیکی دستی معمولی با استامپ آبی زده شده است که در آن جمله «آذربایجان ملی حکومتین» و در زیر آن تاریخ اسفند ۱۳۲۴ دیده می‌شود. در بخش زیرین اسکناس، دو عنوان خزانه‌دار و وزیر دارایی، با به گونه‌ای که خود به کار برده‌اند «مالیه وزیری» به چشم می‌خورد. امضای اسکناسها نیز از ۵ قرانی تا ۱۰ تومانی به صورت چاپی است ولی اسکناسهای ۵۰ تومانی با دست امضاء شده و بیشتر آنها را وزیر مالیه با جوهر آبی و خزانه‌دار با جوهر قرمز امضاء کرده‌اند.  
اینک به شرح اسکناس‌ها می‌پردازیم:

۱. پشت اسکناس: پشت اسکناسها چنان که پیشتر گفته شد ساده و بی هر گونه طرح یا نشانه است و از ۵ قران تا ۵۰ «تومن» همگی یکسان است و تنها سه سطر که دستورهای دولتی را اعلام می‌کند، با خط نستعلیق به نسبت خوب به زبان ترکی و با رنگ سیاه به شرح زیر چاپ شده است:





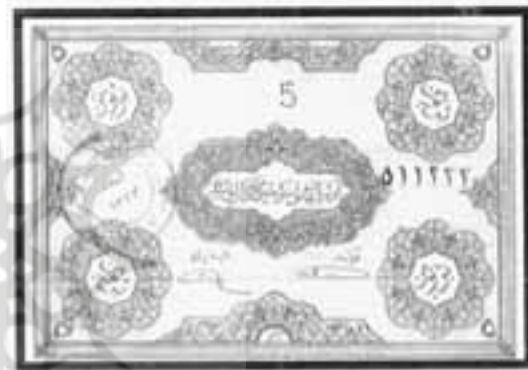
اندازه اسکناسها کمابیش ۵۰٪ اندازه واقعی است برای آگاهی از سرنوشت این اسکناسها، بهتر است نخست نگاهی به سرنوشت این فرقه نامبارک کمونیستی ولی باصطلاح دموکرات بیندازیم. کارها و رفتارهای این فرقه، با پشتیبانی ارتش سرخ، رفته رفته درونمایه جدایی خواهانه خود را نشان می داد.

پیشه‌وری در آذر ۱۳۲۴ مجلس و دولت جداگانه‌ای برپا کرد، خود در رأس دولت قرار گرفت و باصطلاح خودش «قشون ملی» شامل ۲۰ هزار فدایی تشکیل داد. این اقدامات و بویژه اخراج ارتش ملی ایران از آذربایجان میهن دوستان را نگران کرد و زنگهای خطر برای ایرانیان به صدا درآمد. کابینه مرحوم حکیمی به علت ناتوانی سقوط کرد و قوام السلطنه به نخست‌وزیری رسید. برنامه اصلی دولت قوام بیرون راندن ارتش سرخ از ایران بود زیرا فرقه دموکرات را زنده‌ای از آن می دانست. قوام به درستی دریافته بود که این مشکل بزرگ را تنها با گفتگوهای مستقیم با رهبران اتحاد جماهیر شوروی می توان از میان برداشت. او بی اینکه حتماً کابینه خود را به مجلس معرفی کند، در روزهای پایانی بهمن ۱۳۲۴ به مسکوفت و ۱۳ روز در آنجا ماند و چند بار با شخص استالین و همچنین با دیگر کارگزاران برجسته و با نفوذ دولت شوروی به گفتگو نشست و سرانجام دریافت که شورویها چشم طمع به نفت شمال دوخته اند و راه برون رفت از این بحران، دادن وعده یا حتماً تنظیم قرارداد گونه‌ای درباره واگذاری نفت

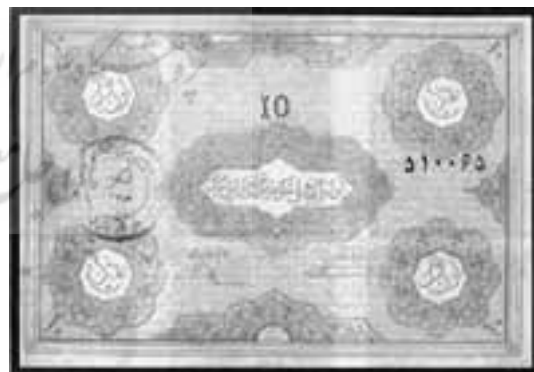
پ- یکی تومن (۲ تومان): که به رنگ سرمه‌ای با زمینه روشن چاپ شده است.



ت- پش تومن (۵ تومان): که به رنگ سبز سیر چاپ شده است.



ث- اون تومن (۱۰ تومان): که به رنگ قرمز است.



ج- الی تومن (۵۰ تومان): که به رنگ سبز است. چنان که پیش از این گفته شد، روی این اسکناس با دست امضا شده و عدد لاتین 50 نیز میان دو ستاره آمده است.

داده بود، ناگزیر از گفتگو با تهران شد؛ ولی چون از يك سو با هم میهنان آذربایجانی بدرفتاری می کرد و از سوی دیگر در برخورد با دولت مرکزی نیز یکدندگی و سرسختی نشان می داد، گفتگوها بیهوده می نمود. با همه اینها، قوام السلطنه پیشه‌وری را برای گفتگوی حضوری به تهران خواند ولی او در هیبت رهبر يك دولت مستقل با گروه مشاوران و درحالی که از سوی فداییان مسلح اسکورت می شد در ۸ اردیبهشت ۱۳۲۵ با هواپیمای خصوصی روسی خود وارد تهران شد و هواپیمای او در فرودگاه قلعه مرغی به زمین نشست. با این مقدمات از همان آغاز روشن بود که این دور به شکست می انجامد و چنین نیز شد. قوام برای اتمام حجت، بار دیگر مظفر فیروز معاون خود را به تبریز فرستاد ولی این دور گفتگوها نیز بی نتیجه ماند.

در ماههای میانی ۱۳۲۵ همه نشانه‌ها بیانگر این واقعیت بود که فرقه دموکرات سر ناسازگاری دارد و با گفتگو کار به جایی نخواهد رسید. از سوی دیگر، دولت شوروی نیز ایران را برای برگزاری انتخابات مجلس پانزدهم، به امید تصویب قرارداد نفت (همان مجلس پانزدهم که در آغاز کار خود این قرارداد را یکسره مردود دانست) زیر فشار گذاشته بود. قوام با این استدلال که کشور برای برگزاری انتخابات باید یکپارچه باشد و اکنون کسانی درپاره‌ای از خاک میهن ادعای خودمختاری دارند و با این وضع برگزاری انتخابات سراسری ممکن نیست، در آذر ۱۳۲۵ از ارتش خواست به سوی آذربایجان پیش رود.

پیشه‌وری و فرقه دموکرات از هم میهنان آذربایجانی خواست در برابر ارتش ملی ایستادگی کنند، ولی يك هفته بعد یعنی در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ هنگامی که نیروهای پاسدار یکپارچه‌گی ایران پیروزمندانه به شهر قهرمان پرور تبریز گام نهادند، با استقبال پرشور و بی‌مانند و آغوش گشوده توده مردمان رنج‌دیده روبه‌رو شدند. همان شب،

شمال است. قوام که می دانست دوره مجلس چهاردهم رو به پایان است، با هوشمندی و کاردانی بر آن شد که در پرتو سیاستی پیچیده، این معمارا هر چه زودتر حل کند. سرانجام با استالین به توافق رسید که نفت شمال را بر پایه قراردادى به اتحاد جماهیر شوروی واگذار کند، مشروط بر اینکه ارتش سرخ بی‌درنگ از خاک میهن ما فراخوانده شود و دولت شوروی دست از پشتیبانی فرقه دموکرات بردارد. قوام با زرنگی، تنفیذ این قرارداد را به مجلس واگذار کرد.

بدین سان، قوام السلطنه با قرارداد تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی به تهران بازگشت و در روز پیش از پایان دوره چهاردهم مجلس، کابینه خود را به مجلس معرفی کرد؛ همچنین قراردادى را که امضا کرده بود، تنها ۲ ساعت پیش از پایان کار مجلس چهاردهم یعنی کمابیش در ساعت ۱۰ صبح ۲۱ اسفند ۱۳۲۴ در اختیار مجلس گذاشت. عمر قانونی مجلس در ساعت ۱۲ همان روز به پایان رسید، بی آنکه حتا فرصتی برای اعلام وصول قرارداد مانده باشد.

از سوی دیگر، در ۱۷ فروردین ۱۳۲۵ اعلامیه‌ای سه بندی در شماره ۶۰۷۳ روزنامه اطلاعات از سوی سادچیکف سفیر اتحاد جماهیر شوروی در تهران انتشار یافت که در بند نخست آن آمده بود خروج ارتش سرخ از ایران تا پایان اردیبهشت ۱۳۲۵ به انجام خواهد رسید. بند دوم ناظر به تأسیس شرکت مختلط نفت ایران و شوروی بود که قرارداد آن می‌بایست دست‌بالا تا ۷ ماه دیگر برای تصویب به مجلس ایران (مجلسی که هنوز تشکیل نشده بود) داده شود. بند سوم نیز درباره فرقه دموکرات آذربایجان بود که از مسائل داخلی ایران به‌شمار آمده و توصیه شده بود که به گونه مسالمت‌آمیز حل و فصل شود.

خوشبختانه ارتش سرخ تا پایان اردیبهشت ۱۳۲۵ از ایران رفت و فرقه دموکرات که پشتیبان خود را از دست

## منابع:

۱. کی استوان، حسین، سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم، انتشارات مظفر، تهران ۱۳۷۹
  ۲. بهروز، مازیار، شورشیان آرمانخواه و ناکامی چپ در ایران، انتشارات ققنوس، تهران ۱۳۸۰
  ۳. فرزاد، شاهرخ، محاکمات، دفاعیات و خاطرات سید جعفر پیشه‌وری، نشر شیرین، تهران ۱۳۸۴
  ۴. شوکت، حمید، در تیررس حادثه؛ زندگی سیاسی قوام السلطنه، انتشارات اختران، تهران ۱۳۸۵
  ۵. نوین فرح‌بخش، فریدون، راهنمای اسکناسهای ایران (قاجار - پهلوی)، چاپ هفتم، نشر فرح‌بخش، تهران ۱۳۸۵
6. Pick Standard Catalogue of World paper money, 2007. USA

بیشتر سران فرقه به آن سوی مرز گریختند و شمار اندکی نیز بی مقاومت تسلیم شدند.

پیشباز پر شور و بی شائبه هم‌میهنان تبریزی از ارتش قهرمان خود، نشانه‌ای بود از عشق همیشگی برادران پاک‌نهاد آذربایجانی به میهن.

بدین گونه، اتحاد جماهیر شوروی از به دست آوردن نفت شمال ناکام ماند و پیشه‌وری در آرزوی شوم خود نامراد؛ اسکناسهای آنها نیز خوشبختانه بیش از ۹ ماه در جریان نبود و آذرآبادگان، این دردانه گهواره زر تشت، در دامان مام خود ماند.

بی گمان خدای ایران زمین همواره نگاهبان این خاک پاک است و بدین گونه نیز خواهد بود تا جاودان، که «به راستی او بهترین نگهدارنده و مهربان‌ترین است».

